

خجسته باد ۸ مارس، روز جهانی زن ۵

مبارزه طبقاتی و رهائی زن (۳۷)

شاغل در کارخانه Bryandat & Mary در شرق لندن، جرفه کوچکی بود که شعله شورش را برافروخت و به گسترش اتحادیه گرایی در میان کارگران غیر ماهرانجامید. (۱۱) در مارس ۱۸۸۹، Willthorn، اتحادیه ملی گاز و کارگران بخش عمومی را بنیان گذاشت. این اتحادیه حتاً بدون یک اعتصاب موفق شد که ۸ ساعت کار در روز راتشیت نماید. رشد اتحادیه شگفت انگیز بود. تا سپتامبر ۱۸۹۰، این اتحادیه ۸۹ شعبه داشت که ۲ شعبه آن با عضویت بالغ بر ۶۰۰۰ نفر، کاملاً به زنان اختصاص

اتحادیه گرایی نوین

تا قبل از پیدایش اتحادیه‌های نوین، تنها اقلیت نازلی از کارگران مشکل بودند. در سال ۱۸۸۸ اتحادیه‌ها ۷۵۰۰۰ عضو داشتند که ۵ درصد شاغلین بودند. در میان مردانی که کارهای دستی انجام می‌دادند، نسبت عضویت در اتحادیه‌ها حدود ۱۰ درصد بود (۱۰). در سال های ۱۸۸۸-۹ موجی از ناآرامی مراکز صنعتی کشور را فراگرفت که این بار با ظهور نوین تشکل‌های اتحادیه‌ای مشکل از کارگران زن و مرد غیر ماهر بود. اعتساب ۷۰۰ کارگر زن کبریت ساز

مقایسه نمایش انتخاباتی مجلس شورای اسلامی ششم و هفتم

دستگاه‌های اجرایی و نظارتی جمهوری اسلامی سرانجام با دستور ولی فقیه و سلام و صلوات رئیس جمهور نمایش انتخاباتی یکم اسفند را برای تشکیل مجلس هفتم شورای اسلامی برگزار کردند.

چهار سال پیش وقتی همین دستگاه ها برای به صحنه بردن مضمونه انتخابات مجلس ششم در روز بیست و نهم اسفند اقدام کردند، جنجال و هیاهو حول و حوش سرنوشت ساز بودن آن چنان کستره و وسیع بود که حتاً برخی از سازمان‌ها که خود را چپ یا حزب طبقه کارگر می‌نامند هورا کشیدند و مردم را رابه شرکت در این مضمونه فراخواندند. در آن زمان نه فقط تمام جناح‌های درون حکومتی که اپوزیسیون بورژوازی مشکل از جمهوری خواهان و سلطنت طلبان نیز همراه با رسانه‌های دولتی فارسی زبان برون حکومتی مردم را به شرکت در انتخابات تشویق و ترغیب کردند و گفتند اگر اصلاح طلبان برقوه مقننه نیز استیلا یابند، وضع تغییر خواهد کرد و ایران به سوی دمکراسی گذار خواهد نمود و انبوه مطالبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم متحقق خواهد شد.

چهار سال پیش تنها چند سازمان و حزب چپ انقلابی و کمونیست ایران، از جمله سازمان ما، به درستی مضمونه انتخاباتی رژیم را تحریم کردند و به مردم گفتند که حتاً گر دوم خدادادی‌ها در مجلس شورای اسلامی ششم اکثریت یابند تغییری در اوضاع برای تحقق مطالبات آنان پدید نخواهد آمد. پس از اجرای نمایش انتخاباتی مجلس ششم، در خرداد ماه ۱۳۷۹ و در همین ستون یادداشتی با عنوان "مجلس پر

صفحه ۲

جنیش نان و گل سوخ برگی از جنیش زنان کارگر آمویکا

صفحه ۴

خبری از ایران

۲



عکس از سایت تسلیمه نسرین

نشریه کار با تسلیمه نسرین

صفحه ۸

وحشی‌گری رژیم در برابر تحریم فعل

چنین تاکتیکهایی که دوره‌اش از مدت‌ها پیش به سرآمد، موثر واقع شود. از این رو این شگردها نمی‌توانست ونتوانست کسی را فربی بدهد. مردم در سطح وسیع و گسترده‌ای دست رد به سینه این به اصطلاح انتخابات زدنند. مضمونه ای که از قبل معلوم بود نتایج آن قرار است

پاسخ دندان شکن مردم رنج کشیده ایران نسبت به مضمونه انتخاباتی رژیم قابل تحسین بود. بازی‌ها و بدنه بستان‌های دو خدادادی‌ها با جناح ولی فقیه برای کشیدن مردم به پای صندوق‌های رای با بی‌اعتنایی کامل مردم روبرو گردید. اوضاع رژیم جمهوری اسلامی و جناح‌های مرتعج آن بسیار وخیم‌تر از آن است که

خبری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران در اراک

دراعتراض به عدم پرداخت دستمزد، دهها تن از کارگران کارخانه چیپال اراک روز شنبه دوم اسفند در برابر فرمانداری شهر دست به تجمع زدند. یکی از کارگران این کارخانه می گوید: در حالی که کارگران کارخانه چیپال برای کارگران زندگی و تامین مخارج خانواده خویش ناچار به فروش وسایل منزل خود شده اند، مسئولین کارخانه هر بار در برابر اعتراضات ما، تنها به تهدید کارگران پرداخته اند. کارگران در جریان این اقدام اعتراضی، خواستار پرداخت عیدي و پاداش و ۹ ماه حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران میدان نفتی ازادگان

صدها تن از کارگران میدان نفتی آزادگان، صبح روز چهارشنبه ششم اسفندماه، هم زمان با دیدار سفیر رژیم از این میدان نفتی، دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار تحقق مطالبات خود شدند. در این تجمع اعتراضی، کارگران خواستار پرداخت چهار ماه حقوق و مزایای معوقه، افزایش دستمزدها، برخورداری از بیمه تامین اجتماعی و بهبود کیفیت غذا شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران پاکریس

روز یکشنبه سوم اسفند، بیش از ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه نخ ریسی پاکریس، دربرابر استانداری سمنان دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارخانه که از دو سال قبل تعطیل شده است، تاکنون مطالبات کارگران را که بیش از یک میلیارد تومان می باشد، نپرداخته است. کارگران در این تجمع اعتراضی، خواستار پرداخت مطالبات و امنیت شغلی خود شدند. پس از آن که به کارگران قول پیگیری و وعده رسیدگی داده شد، کارگران نیز به تجمع خود پایان دادند.

* تجمع اعتراضی مردم بم

در اعتراض به کمبود امکانات زندگی، نحوه توزیع کمکهای مردمی و حیف و صفحه ۳

چهار سال بعد شیخ مهدی کروبی به همان سرنوشت دچار شد و انصراف داد، آخوندی که خود را اصلاح طلب می داند و چهار سال با رای دوم خردادی ها رئیس مجلسی پرتش و سترون بود.

چهار سال پیش انتخابات مجلس، سیمان حفظ نظام اعلام شد و چهار سال بعد بازهم دو جناح اصلی رژیم برهمن طبل می کوبند. دوم خردادی ها در مجلس تحصن می کنند تا به رد صلاحیت خودشان اعتراض کنند. این تحصن شکست می خورد و کوچکترین حمایت توده ای از آن نمی شود. سپس متصدی از نمایندگی استعفا می دهند، هر چند که می دانند رد یا قبول استعفاهای بر اساس مقررات در عمر اندکی که از مجلس ششم مانده ناممکن است.

چهار سال پیش دو جناح جمهوری اسلامی با اعلام درصد شرکت کنندگان- که مانند چهار سال بعد معلوم نیست چه مقدارش قلابی و ساختگی است- فریاد برآوردهند که پیروز شده اند و جمهوری اسلامی از انتخابات سربلند بیرون آمد. چهار سال بعد جناح ولی فقیه که ظاهرا در مجلس هفتم اکثریت صندلی ها را با توجه به رد صلاحیت ها، تقلب و زور از آن خود کرده همان فریاد گوشخراش را می زند و دوم خردادی ها نیز به انحصار مختلف خود را پیروز می دانند. کافی است که در این زمینه نگاهی به مصاحبه بهزاد نبوی این عضو مجاهدین انقلاب اسلامی و نایب رئیس اصلاح طلب مجلس با ایلنا انداخت. نبوی در این مصاحبه می گوید:

"در هیچ کجای ایران محافظه کاران حاضر نشدنده به نام محافظه کاران در انتخابات شرکت کنند که البته این یک پیروزی بزرگ فقط برای اصلاح طبلان است." پس ظاهرا مرز اصلاح طلبی و محافظه کاری در جمهوری اسلامی فقط در تغییر نام خلاصه می شد ونه" دید- گاهها و تزهای محافظه کاران" که همین آقای نبوی شکست خورده می نامد. آقای نبوی سپس می افزاید: "البته دریک نگاه خوش بینانه می شود این گونه قضایت کرد که انسالله به خواست خدا، دیدگاه- هایشان عوض شده است". با این حساب اکنون باید منتظر ماند تا دید مثلا جناح ولی فقیه در مجلس چگونه دست به اصلاح قانون مطبوعات می زند که چهار سال پیش اصلاح طبلان با "حکم حکومتی" از آن باز مانندند! نبوی در بخش دیگری از مصاحبه اش اضافه می کند که ظاهرا جناح رقیب قصد دارد با امریکا مذاکره کند که این خواست دوم

صفحه ۳

مقایسه نهایی انتخاباتی مجلس شورای اسلامی ششم و هفتم

تنش و سترون" منتشر شد که رویداد هایی که در چهار سال گذشته اتفاق افتادند صحت آن را نشان داد.

چهار سال پیش کشمکش های درون حکومتی برسر این بود که چه کنند تا چند میلیون رای بیشتر از صندوق ها بیرون کشیده شوند و شورای نگهبان زیر نظر ولی فقیه وزارت کشور زیر برای اصلاح طبلان را مظنون به تقلب برای بیشتر کردن آراء دوم خردادی ها می کرد. چهار سال بعد درحالی که بن بست جمهوری اسلامی بیش از گذشته شده بود حتا برخی از دوم خردادی ها از شرکت در انتخابات محروم شدند و این بار وزارت کشور کماکان دوم خردادی با شورای نگهبان حتا برسر واحدان حق رای یک اختلاف نه چندان کوچک سه میلیون نفری داشت. شورای نگهبان آنان را ۴۳ میلیون و وزارت کشور ۴۶ میلیون ارزیابی می کرد.

۴ سال پیش دوم خردادی ها کوشیدند تا خود را از نظر انتخابات استصوابی شورای نگهبان خلاصه کنند و با استفاده از چند روزنامه ای که داشتند تنور انتخابات را گرم کنند. چهار سال بعد نه فقط برخی از اعضای دوم جبهه دوم خرداد با نظر انتخابات استصوابی رد صلاحیت شدند که جناح رقیب آرزوی چهار سال پیش خود را برای ایجاد تشتبه در صفوون آنها به مرحله عمل در آورد.

چهار سال پیش بعد "یاس نو" را بستند، چهار سال بعد "یاس نو" را چهار سال پیش جبهه مشارکت اسلامی و مساجد انتخابات اسلامی را برای شرکت در انتخابات مجاز تشخیص دادند و چهار سال بعد اینها راهم حذف کردند و تنها به گروههای دوم خردادی مانند خانه کارگر و مجتمع روحانیون مبارز اجراه شرکت دادند.

۴ سال پیش در برخی شهرها مانند شوش و شادگان تظاهرات ضد دولتی علیه تقلب در انتخابات صورت گرفت که به قتل ۸ نوجوان و زخمی شدن تعدادی انجامید و چهار سال بعد همین اتفاقات در شهرهایی مانند ایذه رخ داد که به قتل دست کم چهار نفر منتهی شد. ۴ سال پیش یک شخصیت رسوا، فاسد و بی آبرو چون علی اکبر هاشمی رفسنجانی علیرغم تمام تقلبات از لیست انتخاب شدگان به بیرون پرتتاب شد و مفتضانه خود را کنار کشید.

خبرهای از ایران

مقایسه نمایش انتخاباتی مجلس شورای اسلامی ششم و هفتم

میل این کمک‌ها و امکانات، صبح روز شنبه دوم اسفند، شمار زیادی اهالی رحمتکش و داغ دیده به در میدان ۲۲ بهمن این شهر دست به تجمع زدند. با وجود آن که چند ماه از زمین لرده به گذشته است و کمک‌های نقدی و جنسی فراوانی گردآوری شده است، اما هنوز ابتدایی ترین نیازهای مردم این منطقه برآورده نشده است. مردم منطقه حتا در مورد تامین آب آشامیدنی و سرویس‌های بهداشتی نیز با مشکل مواجه اند و علاوه بر این هنوز حتا اسکان موقتی مردم نیز به سرانجام نرسیده است.

* تجمع اعتراضی مردم نیشابور

روز یکشنبه سوم اسفند، شمار زیادی از بازماندگان قربانیان و آسیب دیدگان حادثه آتش سوزی و انفجار قطارباری، نسبت به نحوه برخورد مسئولین دولتی بهاین فاجعه، دست به تجمع زدند. اعتراض کنندگان خواستار مشخص شدن علت انفجار قطار و پرداخت خسارات وارد شدند.

* تجمع اعتراضی مردم در اصفهان

روزیکشنبه سوم اسفند، بیش از سه هزار نفر از مردم اصفهان برای دریافت پس اندازهای خود، در برابر دفاتر پلمپ شده صندوق‌های قرض الحسن دست به تجمع زدند. اعتراض کنندگان سپس به سمت میدان احمدآباد دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند در حین راهپیمایی شیشه‌های یک بانک واقع در خیابان جی را شکستند.

* تجمع اعتراضی فرهنگیان در برابر مجلس

حدود صد نفر از نمایندگان کانون‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور، در برابر ساختمان مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند. اعتراض کنندگان با در دست داشتن پلاکارد هایی خواهان مطالبات خود و رفع تبعیض میان معلمین و سایر کارمندان دولتی شدند.

* نامه اعتراضی

۹۰۰ تن از کارگران سد و نیروگاه استو شهرستان میانه، دریک نامه اعتراضی صفحه ۴

در روند گسترش یا بندۀ اعتصابات، تظاهرات‌ها، راهپیمایی‌ها، شورش‌ها و اقدامات مستقیم مردم‌برای برافکنندن تمامیت جمهوری اسلامی پدید نیاورد، آمار ۵۱ درصدی مجلس هفتم هم پدید نخواهد آورد، زیرا در ایران انتخابات آزاد لااقل در چارچوب نظام های پارلمانی بورژوازی ناممکن است و میرزان شرکت کنندگان در انتخابات گوناگون‌نمی‌توانند نشانده‌ند واقعیت اجتماعی لااقل در لحظه برگزاری آنها باشد.

وظیفه نیروهای چپ و کمونیست ایران در این میان هر دم سنگین تر می‌شود. همگان شاهدند که بخش بزرگی از اپوزیسیون بورژوازی در سال ۱۳۸۲ همان شعار تحریم انتخاباتی را که نیروهای چپ و کمونیست‌درسال ۱۳۷۸ دادند به میان کشیدند. اپوزیسیون بورژوازی امروز برای انحراف مبارزات مردم‌ تمام وقت بر شعار رفراندوم تغییر نظام تاکید می‌کند. هرچند که تحقق این شعار غیر ممکن است اما آنها تلاش می‌کنند با توهین پراکنی رادیکالیزه شدن توده‌ای را برای سرنگونی جمهوری اسلامی به تاخیراندازد، همان گونه که توهین اصلاح پذیری و دفاع کلیت این اپوزیسیون از این توهین توانست سرنگونی جمهوری اسلامی را به تاخیر اندازد.

هر احظه که توفان انقلاب در ایران نزدیک و نزدیک تر می‌شود اپوزیسیون سلطنت‌طلب و جمهوری خواه به شعارهای دیگری از جمله تشکیل مجلس کمونیست و دامن خواهد زد. نیروهای کمونیست و چپ ایران باید پرتوان تر و نیرومند تر از همیشه با مطرح کردن سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، درهم کوبیدن ماشین دولتی و دستگاه بوروکراتیک- نظامی آن و تشکیل شوراهای کارگران و رحمتکشان وکیله آنها به عنوان عالی ترین نهاد تصمیم‌گیری ازشکست انقلاب در راه جلوگیری کرده و از استقرار یک دمکراسی شوراها، حمایت کنند و برای آن تلاش نمایند.

با کمک‌های مالی خود

سازمان

را باری رسانید

اوصفه ۳

خبری از ایران

که برای مسئولین حکومتی ارسال کردند، نسبت به احتمال اخراج خود اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

* بیکاری ۶۵ کارگر

کارخانه شهد ارک در گیلان تعطیل و ۶۵ کارگر آن از کار بیکار شدند. اعتراضات کارگران جهت ادامه کاری و تضمین شغلی هنوز نتیجه ای در بر نداشته است. هم‌اکنون بر قاین کارخانه را قطع کرده اند و کارخانه بیش از یک هفته است که هیچگونه تولیدی نداشته است. در عین حال بیش از ۶ ماه است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است.

* ۲۵ هزار پرستار بیکارند

ایلنا به نقل از شریفی مقدم مدیر کل پرستاران اعلام کرد، در حالیکه جامعه به ۲۱۰ هزار پرستار نیازمند است، در حال حاضر باراین مسئولیت برداشتن تنها ۹۰ هزار پرستار شاغل نهاده شده است. این در حالیست که هم اکنون بیش از ۲۵ هزار پرستار بیکارند.

* چند خبرکوتاه

- از ۲۳۵۲ واحد صنعتی در استان گیلان، ۴۰ درصد به کلی تعطیل، ۲۰ درصد زیر ظرفیت رسمی کار می کنند و فقط ۴۰ درصد آن فعالند. (ایلنا)

- از ۲۹ هزار کارگاه فعال استان سیستان و بلوچستان ۲۸ هزار و پانصد کارگاه از شمول قانون کار خارج هستند. (ایلنا)

- مدیر کل اداره کار استان خراسان گفت: بخش قابل توجهی از واحدهای کارگری خراسان، دچار بحران هستند. تنها در یک ماه گذشته (بهمن) ۵ واحد از کارگاه های صنعتی و خدماتی با بیش از ۴۰ کارگر، دچار بحران شده اند که مشکلات و تبعات ناشی از آن برداش کارگران این واحدها سنگینی می کند.

- طبق سرشماری عمومی کارگاهی در سال ۸۱، تعداد کارگاههای کشور برحسب وضعیت حقوقی دو میلیون و ۸۲۷ هزار و ۹۰۶ کارگاه بوده اند.

جنبش نان و گل سرخ، بُرگی از جنبش زنان کارگر آمریکا

اعتصاب زنان کارگر نساجی لورنس در ماساچوست آمریکا در ۱۹۱۲ برای اضافه دستمزد، بهبود شرایط کار، برگی از تاریخ مبارزاتی کارگران آمریکاست. این اعتصاب که در آن زنان با حمل پلاکارد - هایی، شعار نان و گل سرخ سرداده بودند به جنبش نان و گل سرخ موسم شده است. تحادیهای کارگری این شعار را به این علت طرح کرده بودند که نشان دهند، تنها، خواست اضافه دستمزد که خواستی

شعر گلهای سرخ و نان

چنان که در روشنایی روز گام برمی داریم
جای دستانمان در میلیون ها آشیزخانه‌ی دود آلد و

رد پای مان در هزاران کارگاه خاکستری
چنان چون انوار تابیده‌ی ناگهانی خورشید
نمایان است

چرا که سرودهای "گلهای سرخ و نان، گل های سرخ و نان" مان
هنوز گوش های مردم را می نوازد.

چنان که ما قدم زنان می آئیم، گام زنان
ما برای مردان نیز می رزمیم
چرا که آنان بچه های مادرانی بودند

و

با زهم آنان را مادر می شویم
زندگی ما نبایستی همه اش عرق ریزی باشد

از لحظه‌ی زادن تا دم مردن
قلب های مان گرسنگی می کشند، چنان که جسم مان

نان می خواهیم اما گل های سرخ بدھید ما را.

قدم زنان می آئیم گام زنان
بی شمار زنان، جان خود را از دست داده اند
برویم و غرش سالیان آنان برای نان را
در آوازهای مان جار زنیم، فریاد زنیم.
روح محنت کشیده‌ی آنان زیبایی و عشق را
و هنرهای کوچک را می شناخت
آری ما برای نان است که می جنگیم
اما برای گل های سرخ نیز.

چنان که ما گام زنان می آئیم، قدم زنان
روزهای بهتر را هم می آوریم
خیزش زنان دیگر معناش
برخاستن نژاد انسانی است

دیگر نه جان کنند و نه روزگار مزدی
که به اندازه‌ی ده برابر آن شیره‌ی جان ات را می کشند
بلکه، جلال و سرافرازی های زندگی را شریک می شویم:
نان و گل های سرخ، گل های سرخ و نان.

(با تشکر از رفیق ک. برای ترجمه این شعر از انگلیسی به فارسی)

زنده باد سوسیالیسم



خجسته باد ۸ مارس، روز جهانی زن

۸ مارس، روز همبستگی زنان زحمتکش سراسر جهان در مبارزه برای رهایی از قید ستم و تبعیض و برابری سیاسی و اجتماعی زنان با مردان است. ۸ مارس، نماد بیداری و پیکار انسانهایی است که علیه تبعیض جنسی و برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی و رهایی خویش به پا خاسته‌اند. از حمله یک قرن پیش، هنگامی که به پیشنهاد یکی از برجمسته‌ترین زنان کمونیست جهان کلازا تکین، دو مین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست، به نشانه همبستگی و پشتیبانی از مطالبات و مبارزه هزاران تن از زنان کارگر صنایع نساجی آمریکا، ۸ مارس را روز جهانی زن اعلام نمود، جنبش وسیع و گسترده‌ای از زنان کارگر و سوسیالیست برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و برابری کامل با مردان شکل گرفت. در تمام طول این سال‌ها، جنبش ضد تبعیض جنسی و برابری طلبانه زنان، در اشکال مختلفی ادامه داشته و دامنه آن به سرتاسر جهان گسترش یافته است. مجموعه‌ای بهم پیوسته‌ای از مبارزات کارگران، زنان و کمونیست‌ها در مقیاس جهانی و سازماندهی مبارزات مستمر و اقدامات اعتراضی در یک رشته از کشورهای پیش‌فته سرمایه داری علیه تبعیض و نابرابری، دستاوردهای قابل انکار نیست که وضعیت زنان در اغلب این کشورهای نسبت به گذشته، بهبود یافته است.

اما در برخی کشورهای عقب مانده سرمایه داری، وضع به گونه دیگری است. زنان از همین حداقل‌ها و برابری حقوقی و صوری نیز محروم‌اند. این در حالی است که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی وضعیت حقوقی زنان بسیار فاجعه‌بارتر و به غایت شرم‌آور است و نه فقط برابری حقوقی زن و مرد به رسیت شناخته نشده است، بلکه به طور کستاخانه‌ای بربنابری زن و مرد نیز تاکید می‌شود و این نابرابری در مقررات حقوقی و قوانین جاری حاکم نیز شکل مدونی به خود گرفته است. رژیم فوق ارتقای جمهوری اسلامی، نه تنها زنان را ز حقوقی برابر با مردان محروم است، بلکه خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین ستم و تبعیض را علیه زنان اعمال نموده و انواع بی‌حقوقی‌های مدنی، اجتماعی و اقتصادی را برزنان تحمیل کرده است.

از آنجا که در مبانی اعتقادی و بنیان‌های فکری حکومت اسلامی، زن، نیمه انسانی است که فاقد خصوصیات عقلانی و فکری یک انسان کامل است، لذا برپایه همین اعتقاد ارتقای و خرافات مذهبی که در قوانین جاری و مناسبات حقوقی حاکم نیز بازتاب یافته است، شدیدترین تبعیضات را نسبت به زنان اعمال نموده و آنان را از حقوق سیاسی و حتا انسانی خویش محروم ساخته است. در جمهوری اسلامی، زن، رسمی و قانوناً فاقد حقوق سیاسی و اجتماعی یک شهروند معمولی و عضو جامعه است و درست به خاطر زن بودنش، از دسترسی به بسیاری از پست‌ها و مشاغل دولتی محروم است. در جمهوری اسلامی زن حق قضایت ندارد در مبحث ازدیاد، نصف مرد به حساب می‌آید، از حق پوشیدن لباس مورد علاقه خود و از حق سپریتی فرزندان خود محروم است. افزون بر این در چارچوب خانواده نیز به علت حاکمیت نظام مردسالار، در معرض انواع فشارها، تحقیرها و تبعیضات قرارداده.

رژیم جمهوری اسلامی طی یک ربع قرن حاکمیت ننگین خویش با اعمال خشن شیوه‌های سرکوب و همچنین وضع قوانین ارتقای و اجرای موازین شرعی و اسلامی، تلاش کرده است بندهای آسارت و بندگی بر دست و پای زنان را مستحکمتر نموده و آنان را به کلی در چاربیواری خانه محصور سازد. با وجود این، جمهوری اسلامی موفق نشده است زنان را از مبارزه برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی برابر با مردان و از تلاش برای یک زندگی بهتر و انسانی باز دارد. در تمام طول آین دوران، زنان در اشکال مختلفی علیه بی‌حقوقی، علیه تبعیضات، علیه خشونت، علیه دفعات و آپارتايد جنسی دست به مبارزه و مقاومت زده‌اند. اعتراض زنان نسبت به موقعیت فروضت خود و مبارزه آنان علیه تبعیض و نابرابری، اکنون تا اعماق جامعه نفوذ یافته است و جنبش مبارزاتی زنان، به یکی از جنبش‌های مهم اجتماعی تبدیل شده است.

امسال در شایطی به استقبال ۸ مارس روز بین‌المللی زن می‌رویم که ماهیت ارتقای و زن ستیز همه جناح‌های حکومتی و سایر مدافعان نظام ارتقای و مرد سالار حاکم، بیش از هر زمان دیگری برهمنگان آشکار شده و فریکارانی که وعده اصلاحات درچارجوب نظام حاکم را می‌دادند در نزد حتا عقب مانده ترین افسار جامعه نیز رسوایی و بی‌اعتبار شده‌اند. در این تردیدی نیست که مسبب اصلی و حافظ تمام تبعیضات و نابرابری‌های حقوقی و اجتماعی موجود، نظام سرمایه‌داری است و امر رهایی زن و تامین برابری واقعی و کامل زنان و مردان در گرو به زیر کشیدن این نظام است. معهداً این مسئله نیز برکسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی که یک رژیم مذهبی فوق العاده ارتقای است، به عنوان پاسدار این نظام، وضعیت به غایت ظالمانه و تحقیرآمیزی را برزنان تحمیل نموده است. رژیمی که تا عمق استخوانش مدافع و مشوق مردسالاری است و بندبند مبانی حقوقی و انتقادی اش علیه زنان نوشته شده است. رژیمی که اجحاف و تعذی نسبت به زنان را به اوج خود رسانده است. از همین روزت که سرنگونی این رژیم ارتقای و زن ستیز، نخستین گام و اولین حلقه گسیختن زنجیر اسارت و بندگی از دست و پای زنان و تامین برابری واقعی زنان با مردان است.

سازمان فدائیان (اقلیت) در همان حال که معتقد است نفی همه و هرگونه ستم طبقاتی و جنسی و تحقق برابری کامل و همه جانبه زن و مرد تنها با سرنگونی سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم میسر است، در عین حال، خواهان انجام یک رشته اقدامات فوری برای بهبود هرچه سریع‌تر وضعیت زنان و تحقق مطالبات آنهاست.

سازمان فدائیان (اقلیت) که هدف فوری خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی در ایران فرازده است، خواهان اقدامات فوری و بالدرنگ زیر به نفع زنان است:

– تمام قوانین و مقررات ارتقای و تبعیض آمیز نسبت به زنان ملغا شود.

– برابری حقوق سیاسی و اجتماعی زن و مرد قانوناً به رسیت شناخته شود.

– زنان برابری کامل به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح دسترسی داشته باشند.

– زنان از دستمزد و مزایای برابر با مردان در ازای کار مساوی برخوردار باشند.

– هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، خشونت علیه زنان در محیط خانواده رسمی ممنوع شود و مجازات شدیدی علیه تقضی این ممنوعیت‌ها اعمال شود.

سازمان فدائیان (اقلیت)، همچنان هزار نفر از زنانی که در سراسر جهان این روز تاریخی را جشن می‌گیرند، به استقبال این روز فخرنده می‌رود و ۸ مارس روز جهانی زن را به زنان کارگر و زحمتکش و همه انسان‌هایی که از برابری اجتماعی و سیاسی زن و مرد دفاع می‌کنند و برای نابودی ستم و آپارتايد جنسی مبارزه می‌کنند، تبریک می‌گوید.

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد سوسیالیسم – سازمان فدائیان (اقلیت) – اسفند ۱۳۸۲

کار – نان – آزادی – حکومت شورایی

مبارزه طبقاتی و رهائی زن (۳۷)

بود و در مقایسه با سال های ۱۸۸۸-۹ ارتباط نزدیک تری بین مبارزات زنان کارگر با مردان کارگر وجود داشت. اعتصابات وسیع معدنچیان، ملوانان، باراندازان، کارگران راه آهن و کارگران فلز کار و حمل و نقل به راه افتادند. در همان زمان، ۵۰۰ زن زنجیر ساز در Cradley Heath صرافزانه، در آن هنگام که نیمی از زنان این صنف را تشکیل می دادند، دست به اعتصاب زدند. آنها پس از ده هفته تعطیل کارخانه، به پیروزی دست یافتند و اعضاء اتحادیه به ۱۷۰۰ تن افزایش یافت.

تأثیرپیروزی زنان زنجیرساز حیرتآور بود. کل منطقه Midland تحت تاثیر قرار گرفت. کارگران آجرپزی، پوکه آهن و هزاران کارگر غیر ماهر و غیر مشکل مرد که برای هفته‌ای یک پوند در کارخانجات و کارگاههای تیره و تار کار می‌کردند، شورش کردند. تمام آنها همچون زنان Cradley Heath نرخ به رسمیت شناخته شده دستمزدها و حق سازمان یابی اتحادیه‌ای راکسب کردند. در تابستان ۱۹۱۱، تعداد ۱۵۰۰۰ زن کارگر غیر مشکل در ۲۱ شرکت Bernondsey دست به اعتصاب زدند که به تشكل یابی زنان در ۱۸ شرکت دیگر از جمله کارگران کارخانجات مرباسازی، ترشی، بیسکویت سازی، بسته بندی چای و کاکائو، چسب، قالب سازی و حلبی سازی و شیشه شورها انجامید.

موج رزمندگی به افزایش سریع عضویت زنان در اتحادیه انجامید که بین سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴ دوبراپشد.

با این همه، به رغم دستاوردهای عظیم زنان کارگر در طی سال های ۱۸۸۸-۹ و ۱۹۰-۱۴ آنها هنوز بسیار از مردان فاصله داشتند. علت اصلی آن نیز خصلت عمومی جنبش کارگری بریتانیا بود.

توضیحات:

- ۱۰- تاریخ جنبش کارگری بریتانیا از ۱۸۸۹- ۱۹۶۴- جلد ۱- ۱۹۶۴. ص ۲۱۰
- ۱۱- کاپ-النور مارکس- جلد ۲- لندن ۱۹۷۹- ص ۲۷۰
- ۱۲- کاپ- ص ۳۸۲
- ۱۳- گشته در تاریخ- لندن ۱۹۷۴- ص ۶۱
- ۱۴- Drake- ص ۲۷
- ۱۵- Clegg - فاکس و تامپسون - صفحات ۷۰-۷۱
- ۱۶- همانجا - ص ۸۳
- ۱۷- Drake- ص ۳۰
- ۱۸- همانجا - ص ۳۰
- ۱۹- همانجا - ص ۴۵
- ۲۰- همانجا - ص ۱۴۹
- ۲۱- بستن - ص ۱۰-۶۲
- ۲۲- بستن - ص ۶۸
- ۲۳- Drake- جدول ۱

در ۱۹۰۶ افزایش یافت. از این تعداد، ۱۴۳۰۰ زن به اتحادیه های نساجی تعلق داشتند که ۲۵۰۰۰ نفر آنان عضو اتحادیه های نخ بافی بودند. جهت مقایسه می توان گفت که اتحادیه های صرافزانه، در آن هنگام بیش از ۵۰۰۰ عضو نداشتند. (۱۷)

فدراسیون ملی زنان کارگر

مجموع اتحادیه کارگری زنان به مشابه چترمتحد کننده اتحادیه های زنان صنوف مختلف بود. اتحادیه های مختلط با آن همکاری می کردند و در ازای پرداخت مبلغی ناچیز، از خدمات یک سازمانده زن برخوردار می شدند. اما این مجمع به علت عضویت مختلط طبقاتی، نمی توانست در جنبش اتحادیه ای ادغام شود و عضویت در سال ۱۸۸۸، کارگران زن پتویاف در Heckmondwike، کارگران زن کارخانه های دخانیات در ناتینگهم، کارگران نساجی و کارگران کنف بافی در Duude، به شکلی خودانگیخته ابتکار عمل را به دست گرفتند. زنان کارخانه حلبی سازی لندن، مردان اعتصاب شکن را با آرد و گل رس مورد حمله قرار دادند. (۱۸)

در سال ۱۸۸۹، یک دوجین مجتمع کوچک زنان کارگر، هم در لندن و هم در بسیاری از ایالات رشد کردند. اعتصاب خیاطان در Leeds، صفوون انجمن های محلی زنان شاغل را زیک تعداد انگشت شماریه ۲۰۰۰ نفر، ظرف چند هفته افزایش داد. (۱۹) هزارها زن طی سال های ۱۸۸۸-۹ به اتحادیه پیوستند. اما در اواخر ۱۸۸۹ کارفرمایان به مقابله برخاستند. اعتصاب باراندازان لیورپول به شدت سرکوب شد. در لندن، در اوایل ۱۸۹۰، اتحادیه باراندازان مجبور به خروج از لنگرگاهها شد. (۲۰) از همین رو فدراسیون، تا آن جا که می توانست با اتحادیه کارگران مرد ماهر همکاری می کرد و اعضاش به حمایت فعال از سیاست سازمانی مشترک از زنان و مردان شاغل در صنوف و صنایع مشابه می پرداختند. اغلب یک بخش از فدراسیون به اتحادیه مردان منتقل می شد، که تصمیم به باز کردن درهای خود به روی زنان گرفته بود.

فدراسیون ملی بیش از هزار سازمان دیگری به سازماندهی بیشتر زنان پرداخت، در اعتصابات حضور داشت و تلاش بیشتری برای ایجاد اتحادیه های زنان کرد. این فدراسیون "ریشه در نظرات و رزمندگی اتحادیه های کارگری عمومی اولیه داشت و در مبارزه اش برای بهبود دستمزدها و شرایط کار، اعتصاب را تنها سلاح می دانست. گزارش بین ۱۹۰۶ و ۱۹۱۴، تنها یک نمونه از این اعتصابات بود. (۲۱)

بین سالهای ۱۹۰۴ و ۱۹۱۴ تعداد اعضای

۱۴۳۰۰ زن به اتحادیه های نساجی تعلق داشتند که ۲۵۰۰۰ نفر آنان عضو اتحادیه های نخ بافی بودند و به ۱۰۰۰۰ نفر رسید. تعداد اعضای اتحادیه های باراندازان (اتحادیه کارگری) در Riverside، Whorf Dock و اتحادیه کارگری از ۸۰۰ نفر به ۶۰۰۰ نفر افزایش یافت.

با این که اتحادیه های نوین از ابتدا عضویت زنان را منع نکرده بودند، اما چون گرایش آنها در سازماندهی، عمدتاً متوجه کارگران حمل و نقل و کارگران ساختمانی بود، تعداد کمی از زنان جذب آنها شدند. با این وجود، روحیه اتحادیه گرایی نوین موجب الهام زنان شد و در سال های ۱۸۸۸ و بعد از آن، حضور زنان در اعتصابات صنعتی چشمگیر بود. در سال ۱۸۸۸، کارگران زن پتویاف در Heckmondwike، کارگران زن کارخانه های دخانیات در ناتینگهم، کارگران نساجی و کارگران کنف بافی در Duude، به شکلی خودانگیخته ابتکار عمل را به دست گرفتند. زنان کارخانه حلبی سازی لندن، مردان اعتصاب شکن را با آرد و گل رس مورد حمله قرار دادند. (۱۲)

در سال ۱۸۸۹، یک دوجین مجتمع کوچک زنان کارگر، هم در لندن و هم در بسیاری از ایالات رشد کردند. اعتصاب خیاطان در Leeds، صفوون انجمن های محلی زنان شاغل را زیک تعداد انگشت شماریه ۲۰۰۰ نفر، ظرف چند هفته افزایش داد. (۱۴) هزارها زن طی سال های ۱۸۸۸-۹ به اتحادیه پیوستند. اما در اواخر ۱۸۸۹ کارفرمایان به مقابله برخاستند. اعتصاب باراندازان لیورپول به شدت سرکوب شد. در لندن، در اوایل ۱۸۹۰، اتحادیه باراندازان مجبور به خروج از لنگرگاهها شد. (۱۵) و تعداد اعضای آن از ۱۰۰۰۰ در سال ۱۸۸۹ به ۵۶۰۰۰ در سال ۱۸۹۰ و ۲۲۹۱۳ در سال ۱۸۹۲ به شدت در سریال ۱۸۹۶ در ۱۸۹۷۳۰ کاهش یافت. اتحادیه ملی کارگران گاز روند مشابهی، اتحادیه ملی کارگران گاز و اتحادیه عمومی کارگران راحت تاثیر قرار داد و تعداد اعضای آن از ۶۰۰۰ در سال ۱۸۹۰ به ۳۶۱۰۸ در سال ۱۸۹۲ به ۵۸۷۸۰ نفر بود، در سال ۱۸۹۴ منحل شد. همین روند در فدراسیون ملی کار نیز که در سال ۱۸۹۰، ۶۰۰۰ عضو داشت طی شد. (۱۶) تقریباً می توان گفت که هیچ زنی در اتحادیه های عمومی باقی نماند. اما به رغم این فروکش و افت، گرایش عمومی به ویژه با گشوده شدن درهای اتحادیه های به روی زنان، سازماندهی وسیع تر زنان در اتحادیه ها بود. اعضاء زن اتحادیه ها از ۳۷۰۰۰ نفر در سال ۱۸۸۶ به ۱۱۸۰۰ نفر در ۱۸۹۶ و ۱۶۷۰۰

ازصفحه ۸

مصاحبه نشریه کار با تسليمه نسین

و تحصیل راتامین می‌کرد، رشد اقتصادی به همراه می‌آورد، در آن صورت اشاعه فرهنگ غرب، مقاومت منفی به وجود نمی‌آورد و یا حداقل در چنین ابعادی به وجود نمی‌آمد. اما در شرایط فعلی که این گلوبالیزاسیون، تشدید استثمار و فقر است، تنها رشد گرایشات ارتقابی، دامن زدن به خشونت و حمله عليه زنان است. اگر از من راه حل بخواهید، می‌گوییم: "برچیدن ریشه‌های مادی چنین پدیده‌هایی رهایی از شر مذاهب و نابرابری و تحریق زمانی میسراست که تسهیلات و آموزش و امکانات مادی، دریچه‌ای به روی علم و ترقی باز کنند و نه به سوی تاریکی و ارتقاب".

زنان در بنگلادش

"تحت تاثیر همین گلوبالیزاسیون، دخمه‌هایی درهنده و پاکستان و بنگلادش وجود دارند که با شرایط کارگران در اوائل قرن گذشته تفاوتی ندارند. در این دخمه‌ها زنان تحت بدترین شرایط خدمات تکنو-لوژیک ارزان برای انحصارات فراهم می‌کنند. فضای موجود در محیط کار به همه چیز می‌انجامد الا کار جمعی و سازنده. خشونت علیه زنان بیداد می‌کند. در محیط کار زنان کارگر نساجی هنوز در برخی مناطق با شلاق به زیر ضرب گرفته می‌شوند. سلطه مذهب و تشویق دولت، نرم‌های مذهبی را چنان تقویت کرده که ضرب و شتم و قتل زنان به راحتی پذیرفته می‌شود.

چه باید کرد؟

"با چنین شرایطی، تنها راه، اتحاد نیروهای مترقبی درکشوارهای منطقه ماست که به عنوان صفت واحد در مقابل ارتقاب فرهنگی و اقتصاد گلوبالیزاسیون استثمارگر بایست"

مجروح و صدها نفر را دستگیر و روانه زندان ساخت و در بسیاری از شهرها حکومت نظامی اعلام نشده‌ای را برقرار ساخت. اما هم اکنون این موضوع بیش از پیش روشن شده است که اولاً توده‌های مردم رحمتکش ایران با این وحشی‌گری‌ها از مبارزه خویش برای رهایی از شر رژیم ارتقابی جمهوری اسلامی دست نخواهد شست و ثانیاً جمهوری اسلامی به هیچ قیمتی، نه به قیمت تشدید وحشی‌گری، نه با توصل به فریب کاری و بندبازی، قادر نیست اوضاع را به گذشته باز گرداند و یا جلو فروپاشی خویش را سد کند. تحریم فعال انتخابات قلبای و فرمایشی رژیم توسط توده‌های مردم نیز، این موضوع را تأیید می‌کند.

حکومت مانند ایران در دست ملایان نیست. احکام و فتوهای ملایان هم جنبه قانونی ندارد ولی چرا دولت بنگلادش در مورد احکام و فتوهای بنیادگرایان سکوت می‌کند؟ چرا موضع نمی‌گیرد؟ مگر دولت غیرمذهبی نیست؟ مزربندی‌اش با مذهب کجاست؟"

گلوبالیزاسیون فرهنگی و اقتصادی

"اساس سیاست‌های اقتصادی و سیاسی امپریالیست‌ها سوداواری است. گلوبالیزاسیون در واقع امر گلوبالیزاسیون کردن فقر است. علاوه بر جنبه اقتصادی، انحصار رسانه‌های گروهی و تاثیر گذاری فراوان آن در کشورهای در حال توسعه مانند بنگلادش، منجر به اشاعه و گسترش فرهنگ عمده ای از مردم است به انتشارهای رژیم تبدیل ساختند. رابه مبارزه علیه رژیم تبدیل ساختند. در کردستان هزاران نفر از مردم کشیده، دست به اعتراض و راهپیمایی زدند و پیش از آن که رژیم و عمل آن نمایش خود را به پایان برسانند، بساط آنها را از شهرها برچیدند. در شهرهای مریوان و دیواندره، مردم وسیع‌ادست به تظاهرات و راه پیمایی زدند. سخنرانی‌ها و تبلیغات به اصطلاح انتخاباتی کاندیداهای رژیم را برهم زدند. مردم شهر دهگلان نیز دست به اعتراض و راه پیمایی زدند و با مسدود ساختمان خیابان

- های اصلی شهر، شعارهایی علیه سران رژیم سردادند. مردم بوکان‌هنگام تظاهرات و راهپیمایی اعتراضی خود، شعارهایی علیه حامنه ای و مجلس ارتجاع سردادند و در مسیر راه پیمایی خود، یک کلانتری و چند بانک را سنگ باران کردند. و سندج در برخی دیگر از شهرهای کردستان نیز تجمعات اعتراضی برگزار گردید و رحمتکشان این مناطق نیز به ابراز تنفر از رژیم و انتخابات قلبای آن پرداختند. در سایر شهرها و استان‌های کشور، از جمله استان‌های فارس، اصفهان، خراسان، کهکیلویه و غیره نیز مردم دست به اعتراض علیه رژیم و انتخابات قلبای آن زدند. مردم زحمتکش شهر ایذه از صبح روز دوم اسفند در سطح وسیعی به خیابان‌ها ریختند و با استفاده از موقعیت، تظاهرات و را

هایی ای اعترافی وسیعی را برپا ساختند. اعتراض کنندگان، ضمن تظاهرات، علیه رژیم و سران آن شعار نفرآزمودم به خیابان‌ها ریختند و علیه رژیم و سران آن شعاردادند. در شهرهای لنده، قلعه رئیسی و سرفاریاب واقع در استان کهکیلویه و بویر احمد و نیز در برخی از شهرهای استان خراسان نیز اعتراضات مشابهی را به اتفاده بود، اعتراض کنندگان را به گلوله بست، تعدادی از آنان را به قتل رساند و دهها نفر را مجروح ساخت.

در شهر فیروز آباد نیز همان روز مردم به خیابان‌ها آمدند و دست به اعتراض و تظاهرات زدند و برخی از فرامانداری و دادگستری را به آتش کشیدند. رژیم که به شدت از گسترش اعتراضات و شورش مردم به وحشت افتاده بود، اعتراض کنندگان را به گلوله بست، تعدادی از آنان را به قتل رساند و دهها نفر را مجروح ساخت. در شهر فیروز آباد نیز همان روز مردم به خیابان‌ها آمدند و دست به اعتراض و تظاهرات زدند و برخی از فرامانداری و دادگستری را به آتش کشیدند. رژیم که به شدت از گسترش شهرهای اندیمشک و دهدشت نیز شاهد تجمعات اعتراضی و تظاهرات توده ای

وحشی‌گری رژیم در برابر تحریم فعال

به نفع جناح حامنه ای رقم بخورد. مردم‌اما این بار فقط به تحریم انتخابات قلبای و فرمایشی اکتفا نکردند، بلکه هوشیارانه از این موضوع، همچون وسیله ای برای ابراز نارضایتی خویش و اعتراض علیه کلیت رژیم سود برداشت و در مقیاس قابل توجهی به تحریم فعال روى آوردن، توده های رحمتکش مردم، در بسیاری از شهرهای ایران، جریان تدارک و برگزاری مضحكه انتخاباتی را به مبارزه علیه رژیم تبدیل ساختند.

در کردستان هزاران نفر از مردم ستم کشیده، دست به اعتراض و راهپیمایی زدند و پیش از آن که رژیم و عمل آن آنها را از شهرها برچیدند. در شهرهای مریوان و دیواندره، مردم وسیع‌ادست به تظاهرات و راه پیمایی زدند. سخنرانی‌ها و تبلیغات به اصطلاح انتخاباتی کاندیداهای رژیم را برهم زدند. شهر دهگلان نیز دست به اعتراض و راه پیمایی زدند و با مسدود ساختمان خیابان

- های اصلی شهر، شعارهایی علیه سران رژیم سردادند. مردم بوکان‌هنگام تظاهرات و راهپیمایی اعتراضی خود، شعارهایی علیه حامنه ای و مجلس ارتجاع سردادند و در مسیر راه پیمایی خود، یک کلانتری و چند بانک را سنگ باران کردند. و سندج در برخی دیگر از شهرهای کردستان نیز تجمعات اعتراضی برگزار گردید و رحمتکشان این مناطق نیز به ابراز تنفر از رژیم و انتخابات قلبای آن پرداختند. در سایر شهرها و استان‌های کشور، از جمله استان‌های فارس، اصفهان، خراسان، کهکیلویه و غیره نیز مردم دست به اعتراض علیه رژیم و انتخابات قلبای آن زدند. مردم زحمتکش شهر ایذه از صبح روز دوم اسفند در سطح وسیعی به خیابان‌ها ریختند و با استفاده از موقعیت، تظاهرات و را

هایی ای اعترافی وسیعی را برپا ساختند. اعتراض کنندگان، ضمن تظاهرات، علیه رژیم و سران آن شعار نفرآزمودم به خیابان‌ها ریختند و علیه رژیم و سران آن شعاردادند. در شهرهای لنده، قلعه رئیسی و سرفاریاب واقع در استان کهکیلویه و بویر احمد و نیز در برخی از شهرهای استان خراسان نیز اعتراضات مشابهی را به اتفاده بود، اعتراض کنندگان را به گلوله بست، تعدادی از آنان را به قتل رساند و دهها نفر را مجروح ساخت.

در شهر فیروز آباد نیز همان روز مردم به خیابان‌ها آمدند و دست به اعتراض و تظاهرات زدند و برخی از فرامانداری و دادگستری را به آتش کشیدند. رژیم که به شدت از گسترش اعتراضات و شورش مردم به وحشت افتاده بود، اعتراض کنندگان را به گلوله بست، تعدادی از آنان را به قتل رساند و دهها نفر را مجروح ساخت.

در شهر فیروز آباد نیز همان روز مردم به خیابان‌ها آمدند و دست به اعتراض و تظاهرات زدند و برخی از فرامانداری و دادگستری را به آتش کشیدند. رژیم که به شدت از گسترش شهرهای اندیمشک و دهدشت نیز شاهد تجمعات اعتراضی و تظاهرات توده ای

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K.A.R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

آلمان

I.S.F
P.B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

دانمارک

M.A.M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئد

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

سوئیس

A.A.A
MBE 265
23, Rue L'ecourbe
75015 Paris
France

فرانسه

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کانادا

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۲۲

فصل خاور میانه

"امروز طوری وانمود می شود که گویا
مذهب و به طور خاص اسلام، عامل پیوند
دهنده ملل، مثنا در خاور میانه است. به
نظر من این طور نیست. تجارب تاریخ
یکی دو دهه اخیر هم ثابت کردند که
در درگیری ها و جنگ ها در این منطقه،
مذهب عامل پیوند دهنده نیست. جنگ
ایران و عراق رادر نظر بگیرید، مگر هر
دو کشور اسلامی نیستند، پس چرا
به جنگ پرداختند؟ مگر کویت و عراق هر
دو کشور مسلمان نیستند، چرا به جنگ
روی می آورند؟ چرا مذهب آنها را پیوند
نداد؟ دسته بندی مذهبی و مذهب به
عنوان یک شاخص ساخته و پرداخته
امپریالیسم است. گروه بندی براساس
مذهب در کشورهایی همچون خاور
میانه تصنیعی، مصنوعی است و فاقد
پایگاه توده ای است. چرا که مذاهب
خودشون ساخته قدرت های استبدادی
حاکم در این کشورها هستند که از
مذهب برای تحکیم خودشون بهره مند
می شوند. در شرایط فعلی تلاش زیادی
از جانب امپریالیسم به کار می رود
تا تقسیم بندی مذهبی کنند. از همین
رو نمی توان برخورد به ناسیونالیسم
را از زاویه برخورد به مذهب پیش برد.

مذهب در دامن زدن به ناسیونالیسم
می تواند یکی از عوامل باشد ولی تعیین
کننده نیست. این فرهنگ و زبان است
که چارچوب ناسیونالیسم است. ملل با
داشتن فرهنگ و زبان مشترک دورهم
جمع می شوند و نه براساس مذهب."

مذهب و جدایی دین از دولت

"مذهب عامل کنترل در جامعه است.
مذهب عصای دست بی سوادان است.
مذهب عامل فشار ستمگران است. مذهب
سوپاپ اطمینان دولت های استبدادی
است. در خاور میانه و آنچه امپریالیسم
غرب برای این منطقه دارد، گرچه سکو-
لاریسم نامیده می شود ولی به معنای
حدایی دین از دولت نیست. بلکه بهطور
آشکار و مخفی سعی در حفظ شالوده-
های مذهب می کنند. مذهب را بنا به
شرایط سبک- سنگین می کنند و غلظت
آن راتغیریمی دهد ولی هیچیک به طور
واقعی خواهان جدایی دین از دولت
نیستند. مثالی می نم: در بنگلادش،

صفحه ۷

مصاحبه نشریه



با قسمیه نسرين

مقدمه :

نسرین، نویسنده 'پرشک'، شاعر
و مبارزه بنگالی است که در سال ۹۳ بعد
از انتشار کتابش به نام "شرم" مورد
پیگرد فرار گرفت. حکم فتوای مرتعین
اسلامگرا موجب تبعید وی شد. علاوه
بر این، نسرین به دلیل مبارزه
پیگیرش با مذهب و علیه ظلم و ستم و
نابرابری علیه زنان، یکی از مبارزین و
فعالین حقوق زنان است.
به بهانه ۸ مارس روز جهانی زن،
مصاحبه ای با وی داشتیم. مطلب زیر،
ترجمه خلاصه ای از این گفتگوست.
درج این مطلب الزاماً به معنای تأیید
تمامی نقطه نظرات وی نیست.

معرفی خودش:

"من از نوجوانی در اشعار و نوشته هایم،
ابتدا به طور غریزی و بعد آگاهانه به
مواردی می پرداختم که به ستمی که به
زنان می رفت، اشاره داشت. موضوعاتی
چون ازدواج، به مفهومی که در مذهب
رایج است و یا موضوعاتی چون پاکی و
نجسی و به خشونت آشکاری که به زنان
دور و بر خودم می شد، مرا به فکر و امی
داشت و دنبال ریشه یابی شان بودم.
اشعار اولیه من بسیار خامند و فاقد
دید. بعداً با ایدئولوژی های پیشو
آشنا شدم. ایدئولوژی هایی که اساس
مذهب و خرافات را رد می کرد. این
آشنازی مرادر ریشه یابی مسائل کمک
کرد و ذهنم را باز کرد. مثل کلیدی
بود که می توانستم با کمک اش در های
تائگشود را باز کنم."

"فتواهای که بنیادگرایان علیه من صادر
کردند باعث شد من از حیطه مسائل
فرهنگی- اجتماعی به طبقه سیاسی-
اجتماعی کشانیده شوم. تهدید، تبعید،
دوری از وطن و مردمی که با آنها بزرگ
شده بودم، دستمزد من بود."

|نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 424 maart 2004